

رسالت باقری بایجان لازم است

**حاج محترم السلطنه** - عشقون از برای امنیت داخله لازم بود فرمان فرما وقت رفتن شرط کرد که سه چهار فوج عشقون فرستاده شود و فرستاده نشد تا داخله آذربایجان امن نباشد کار از پیش میروید در این صورت در هر موقع من یکصد سوار از فرمانفرمای خواهم طرفخواهد آورد.

**حاج مصیبت‌التجار** - عشقون معلوم است از برای امنیت داخله است و آنهم امروزه بواسطه نبودن پول ممکن نیست هر مکتس رای دارد بگوید وقتی که کسی دید ملکش از دست می‌رود از خارج پول قرض می‌نماید برای نگاهداری آن عقیده بنده این است که مالیات امسال را بهیچ مصرفی نرسانید مگر به مصرف عشقون که باید عشقون را برای امنیت داخله منظم نمود.

**مذاکرات روز یکشنبه ۱۹ شهر رمضان دارالشورای ملی**

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۱۸ آقامیرزا طاهر فرانت کردند.

**رئیس** - کافدی از طرف یکی از اهل علم نوشته شده چون خواهش شده که فرانت شود فرانت شد قریب باین مضمون بود.

حضور صحیح اسلام و وکلای نظام دامت ثابده انهم امروزه معدلت همه جا را گرفته از اقدامات صحیح اسلام عدل بهم جا انتشار یافته کسی نمیتواند خود را مشروطه ببداند و برادران دیگر را از این نعمت بی نصیب پندارد چهل سال است این ذره بی مقدار خدمت بشرع ننوده و گوشه گیری را بر هر چیز رجحان داده چون بعضی بنده را بنسبت استبداد متهم کرده اند عرض میکنم بنده در خط شغل و منصبی نبودم که طالب استبداد باشم و همیشه در خیرخواهی نوع حاضر بوده و مستم و با اساس ممدک و مجلس مقدس از هر حیث همراه بوده و میباشم (لطف الله)

(گفتند آن نسبت هائیکه بمجلس در حضرت عبدالعظیم دادند هنوز از یاد مردم نرفته است) کافدی از طرف شاهزاده شماع السلطنه رسیده بود

فرانت شد قریب باین مضمون جناب وزیر ارضخ از طرف مجلس آمده که این بنده مبلغ یکصد هزار تومان بیانات ملی بدهم بدیهی است سعادت ملت بعد است و حفظ مملکت راجح نمیتوان کرد مگر بیول وقوف در این مقدمات بدیهی حرفی ندارم و البته هر کس باندازه وطنپرستی و غیرت خود خواهد داد خواهش دارم معین شود در این سه تقسیم بنده از کدام یکی هستم یکی اشخاصی که مواجب زیاد از دولت میبرند دوم کسانی که حکومت زیاد کردند و دخل بردند سیم کسانی که از روی حب وطن پرستی همراهی مینمایند بنده چهار سال اول سلطنت شاه میروم یازده هزار تومان مواجب داشتم شش سال آخر پنجاه هزار تومان در تمام این مدت بیست و چهار ماه حکومت کردم در شهر جفادی اثاثیه یکی از وکلای محترم نسبت به بنده داده بودند که یکصد و پنجاه هزار تومان مواجب دارد نیندادم کی این التاف شه را کرده است خوبت درست رسیدگی فرمایند بر حسب تمولو مکتت آنچه لازمه همراهی است رفتار نمایم.

**رئیس** - چون اصرار کرده بودند فرانت شود فرانت شد.

**آقای میرزا ابوالحسن خان** - لایحه جناب سید نصرالله فرانت کردند

**سیدالحکما** - خوبست آن یکماده از قانون وزارت داخله که محل گفتگو بوده فرانت و تصحیح شد تمام شود

**حاجی سید نصرالله** - هنوز وقت نشده باید وقت شود

**احسن الدوله** - مملکت ما تده منقوش بود در ممالک و جاهای دیگر معلوم بود ولی حالا سرایت بساجد هم کرده است تا کی باید اینطور باشد کسی نیست که بگوید چرا سیاستی در بین باشد مجازات بکلی از میان رفته است در مسجد قالیچه و اسباب مردم را برده اند و چه زحمت و خسارت وارد آورده اند.

شماع السلطنه قابل توجه است عقیده بنده اینست که باید بالنسبه سایرین ملاحظه شود و اینکه نوشته اند من بیست و چهار ماه حکومت کرده ام صحیح است.

**آقامیرزا محمود** - آفتاب شماع السلطنه نوشته اند هر کسی حتی بر بنده دارد بگوید آنسالی که حکومت فارس را داشتند حقوق مردم را ندادند و نیز کمال آباد ساوجبلاغ را بدون حق تصرف کرده اند **رئیس** - خوبست آن دو ماده که از قانون وزارت داخله مانده است قرائت شود و امروز آنقدر کار نداریم دیشب وزراء تشریف آوردند و کلا هم آمدند در کلیه کارها و انتظام ولایات خیلی مذاکره شد الحمد لله بیک جانی ممتی شد.

**آقاشیخ ابراهیم** - خوب است دفع نویف روزنامه صور اسرافیل و حبل المتین بشود که صاحب اداره اند خیلی ضرر وارد میشود بر ایشان. **رئیس** - این مطلب راجع بوزارت علوم است بایشان نوشته میشود.

**وکیل الرعایا** - شاهزاده شماع السلطنه نوشته اند من زیاد از بیست و چهار ماه حکومت نکرده اند خوب است از سردار اکرم که پیشکار ایشان بود و دخل هارا از برده این وجه خواسته شود.

**رئیس** - این عقیده شما صحیح است. **آقامیرزا محمود** - آن بقایای که از حقوق مردم در شیراز ن داده اند باید بدهند اما از بابت این تقسیم بهمانطور که نوشته اند باید ملاحظه شود و کمال آباد هم باید رد شود.

**آقا میرزا ابوالحسن خان** - هر کس حرفی دارد در دو روز انخانه علیه برود هارضی شود تا رسیدگی شود ربطی بمجلس ندارد ولی اینکه نوشته اند بمناسبت باید تقسیم شود درست است (گفتند کمال آباد خالصه بود بر کشت گفته شده هنوز برگشته است)

در این موقع ورقه رأی از بابت آن ماده نظامنامه وزارت داخله که راجع بنظارت بلدییه بود در امور وصایا در صورت تخلف منتشر شد (۹۹ رأی داده شد)

**وکیل الرعایا** - از بابت تلگرافخانه روزی سبصد تومان ضرر بملت میرسد چه باید کرد.

**رئیس** - قرار شد شب ۲۴ تمام شود. مجلس ختم شد

**مذاکرات روز چهارشنبه ۲۲ رمضان دارالشورای ملی**

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۱۹ را حاجی سید نصرالله فرانت کردند

**سیدالحکما** - خوبست آن یکماده از قانون وزارت داخله که محل گفتگو بوده فرانت و تصحیح شد تمام شود

**حاجی سید نصرالله** - هنوز وقت نشده باید وقت شود

**احسن الدوله** - مملکت ما تده منقوش بود در ممالک و جاهای دیگر معلوم بود ولی حالا سرایت بساجد هم کرده است تا کی باید اینطور باشد کسی نیست که بگوید چرا سیاستی در بین باشد مجازات بکلی از میان رفته است در مسجد قالیچه و اسباب مردم را برده اند و چه زحمت و خسارت وارد آورده اند.

(۱) رجوع شود بمتن قانون وزارت داخله که سابقا درج شده است

**وکیل التجار** - ضمیمه که شامل بوده بجهت آن سقط شده است.

**بحر العلوم کرمانی** - بنده خارجه را نیندادم می گویند در همه جا رسم است که در مجامع عمومی از طرف دولت بلیس و مستحفظ گذارده می شود که محافظت نظم آنجا را بکنند اینجامم باید همانطور بشود.

**وکیل الرعایا** - آنچه معقن است در مسجد فمه کشیده شده است و جمله بردم آورده اند و یککفر هم از سینه زخم خورده خودمان دیدیم و استنطاق کردیم باید مجازات داده شود.

**آقا سید مهملدی** - بنده از این مجلس سؤال میکنم که مسؤل امنیت این مملکت کیست در هیچ چیز این مملکت از نرخ و جماع و غیره ترتیب صحیح نیست.

**آقا سید حسن** - باید امنیت از وزارت داخله خواسته شود

**وکیل التجار** - از قراریکه بنده شنیده ام شاهزاده مؤیدالدوله ناخوش هستند خوب است از وزارت داخله خواسته شود که یک حاکم مقتدری معین نمایند که مردم سیاست بدهد.

**آقامیرزا محمود** - اگر می خواهید مثل سابق رجوع بوزارت داخله شود که فراموش گردد و از میان برود که فایده ندارد خوبست اگر بوزارت داخله رجوع می شود بکروزه یا چندروزه وقت خواسته شود که امنیت بدهد و مجازات این اشخاص هم داده شود.

**اسدالله میرزا** - این مطالب که گذشت و باید از وزارت داخله امنیت خواسته شود ولی عرض میکنم که آقا سید جمال واعظ که یکی از واعظین بزرگ است و در یکی از روزنامه های بزرگ فرانک دیدم که آقا سید جمال را بیدار کنند ایران نامیده و خیلی تمجید کرده است که فی العقیقه خیلی زحمت هم کشیده ببنده فرمودند که این مطلب را بمجلس عرضکنم لایحه هم نوشته و سایرین هم همینطور توسط کردند و همچنین از انجمن فقها تلگرافی بجناب نفی زاده کردند که روزنامه حبل المتین را آزاد نمایند و خیلی اصرار داشتند و در حقیقت عقیده بنده هم این است که باید روزنامه آزاد باشد و چیزیکه موجب بیداری مردم است جلوگیری از آن در اول کار صحیح نیست حالا عرض میکنم که مجلس مقدس با آزاد نماید و از توقیف خارج نماید و یا اینکه راجع بوزارت علوم نماید که هر نحو صلاح می دانند عمل شود.

**احسن الدوله** - بوزارت علوم رجوع شده بود توقیف روزنامه هم هیچ صحیح نیست باید از توقیف خارج شود

**حاجی سید نصرالله** - طریق صحیح این است که بوزارت علوم رجوع شود همانطور که مورد اصرافیل را رجوع کردند هر چه از آنجا صادر شود صحیح است رقمه در این باب از طرف وزارت علوم قرائت شد که بنا بر حکم مجلس مقدس روزنامه حبل المتین توقیف است هر کس مدعیست حاضر شود معاکمه میشود.

**آقامیرزا محمود** - گمانم این است که روزنامه رجوع بوزارت علوم است او خودش باید ملاحظه نماید اگر صحیح نوشته و محل ایراد نیست که هیچ الا مواخذه شود چرا از کردن خود رد مینماید

**اسدالله میرزا** - اگر فراوان مجلس حکم به توقیف نمیکرد همین طور بود که شما میفرمائید .  
**حاجی سید نصر الله** - همه میدانند و خدام - داند که من هرگز قصد فرض با کسی نبودم اول کسی که آزادی روزنامه را خواست من بودم که در دارالفنون حضور جمعی صحبت شد در این باب و من جدا همان وقت آزادی روزنامه را خواستم و محقق نمودم که حیات مملکت بسته با آزادی روزنامه است من ملاحظه نمودم این آرتیکلی که در آن درج بود علاوه بر توهین بعضی ضررها امروزه بجهت این مملکت داشت لهذا من ایراد کردم .

**اسدالله میرزا** - الاحام باید آزاد کنند بعد هر کس هر حرفی دارد معاکه شود و وزیر علوم استطاعت کند پس اول دفعه باید آزاد نمود تا معاکه شود .

**آقا سید مهدی** - آن روزیکه سید اسرائیل توقیف میشد قراورد که تا قانون انطباعات بیرون نیاید . پس باید زودتر قانون انطباعات را تمام کرد .

**اسدالله میرزا** - بیرون آمدن قانون میزان معنی ندارد شاید مدتی طول بکشد نباید توقیف باشد تا آنوقت که هیچ معلوم نیست .

**حاج سید عبدالحسن شهسائی** - روزنامه که بخواهد بین مردم اسباب فتنه و فساد شود هیچ لازم نیست که آزاد باشد و برنارد این چیزها را بنویسند این چه روزنامه نوشتن است .

**اسدالله میرزا** - باید قید شود که بعد از این مقالات را ننویسند .

**آقا شیخ حسین** - شاهزاده میفرماید که چرا توقیف کردند خدا پیراهل قفقاز را بیاورد که ما را تکفیر نکردند آنروز که مذاکره جلالتین شد همه گفتند مقصر است من میگویم غیر از آزادی منتهی تقصیر پلنتیکی کرده است پس نه این است که تقصیر ندارد توقیف اواز روی حق بود .

**اسدالله میرزا** - جناب آقا شیخ حسین شما اشتباه کردید من نگفتم که چرا توقیف کردند و من خود در توقیف آن همراهی کردم حالا خواهش و استدعاهایی که شده است این است که از توقیف بیرون بیاید خوب است این را بمن نسبت ندهید که فلانی ایراد بر توقیف دارد .

**میر السطان** - چون این روزنامه را مجلس توقیف کرده اگر بدون تحقیق اجازه بدهد که از توقیف بیرون بیاید که نام این است که آنوقت امر مجلس پذیرفته نشود خوب است همان طور که آقا میرزا محمود گفتند رجوع بوزارت علوم شود که خود وزارت علوم به بینه مجازات دارد بدهد والا مرخص نماید .

**حاجی سید نصر الله** - بلی عقیده من هم همین است که هم روزنامه جلالتین هم صورت اسرائیل رجوع بوزارت علوم شود .

**حاجی میرزا علی آقا** - این حرف مرا باید همه گوش کنید مقصود از این اساس جریان کار است که کارها پیشرفت نماید پس باید احترام را کنار گذاشت و تعقیقاً در فکر پیشرفت کارها بود و قتیکه ما می بینیم کسی بطرف مجلس آمده و مشروطه طلب است ما باید با او مهربانی نمائیم و با هم با همیم نه اینکه دشمن ترافی نمائیم که چرا

فلان روز نامه نویسی یا فلان واعظ چنین حرفه زده باید همه را طرف خود کشید چطور که اسام جعفر صادق بفضل فرمایشی برکنند که ملحق آن این است که اگر کسی کلری کرد بخودش منکر شد سایرین هر گاه پنجاه قسم یاد کنند که این شخص این کار را کرده باید همان قول خود را قبول کرد پس باید عفو و اغماض در بین باشد و هر کسی که بطرف مجلس آمد باید او را پذیرفت و دست رد بپسند او نزد خواه روضه خوان یا واعظ یا روزنامه نویسی و غیره باشد و این مجلس ما مصداق این روایت از شعر باید باشد .

(بازا بازار هر آنچه هستی باز آ)

(گر کافر و کبروت برستی باز آ)

(این مجلس ما مجلس نویسی نیست)

(صد بار اگر توبه کشی باز آ)

**محقق الدوله** - مسئله اخلاقی غیر از قانونی است نباید درم کرد .  
**وکیل التجار** - باید تصور نکرد که مملکت ما مشروطه مثل آلمان یا فرانسه است ما حالا یک سال است که مشروطه شده ایم باید با تفضیلی وقت حکم کند ما باید ملاحظه حال خودمان را بکنیم و نباید دین و مذهب را کنار بگذاریم و مذهب وقت نیست و مذهب مشروطه را چکه مضر بدین باشد دولت باخیم خصوصاً در مقامات خیلی باید ملاحظه کنند بلکه مسلمانهای ما را با ناظمان اسلام و غیره مقبول فرمایند غنائیکه در حق آنها چیزی نوشته که دشمن ترافی کنیم .

**آقا سید مهدی** - مطالب گفتگو در بینظمی و اغتشاش و نبودن مجازات بود بده ملا طرح با فلان روز نامه اولاً این که روزنامه که بر میخورد نسبت بوزارت چه میخواهد مینویسد و با این تفصیل عیب مجازات نیست شما میخواهید که مملکت شما نظم بر دارد این نشود باید نظم و مجازات باشد .

**وکیل الرعایا** - مجازات چیزی است که حیات مملکت با اوست و این حرف را نباید بگویند مجلس فراموش کرده مجازات تنها همان نوشتن در کافه نیست باید مجازات بسطیت باشد عقیده بده این است که اداره جلالتین امروز از توقیف مرخصی گیرد و بنویسند و قلمی که نوشته است هر طور مجازات لازم است داده شود .

**حاج سید نصر الله** - عقیده بنده آنستکه همان قسم رجوع بوزیر علوم خود .

**آقا میرزا محمود** - اینکه گفتگو شد که راجع بوزارت علوم گردد صحیح است ولی باید تفسیر داد و آن این است که چون از قانون انطباعات یک ماده اش این است که روزنامه نویسی باید راجع بدمنه چیزی بخوید و در باقی مطالب آزاد است مجلس این ماده را تصویب کرده خوب است این ماده بوزیر علوم یاد آوری شود که چو طبق آن رفتار شود (جواب داده شد که هنوز چون بدمنه نرسیده قانونی نشده است .)

**آقا شیخ یوسف** - هر گاه در نفر یادداشت با هم مخالف باشند و در قضیه شخصی منازعه کنند لابد جمعی او را تصدیق و گروهی دیگر این را تصویب میکنند قضیه که در شرف واقع شده بنده میخواهم بگویم آن کسانی که طرف با فهم هستند حق با آنها است و نمیگویم که آنها را باطل اند بجهت باید عقیده خود را بگویم و از آن روز که کار شرف

آمد از خودم گفتند و باید حق را بگویم این حلقی که تلگراف خطه مستططط هم میانه آنها هستند همه دیگر هم در شاه چراغ هستند و عقیده بنده آنرا است که حق با آنها است آنروز که صحبت شد آقا میرزا ابوالحسن خان فرمودند که تلگراف بنده طهران بودند پول گرفتند انجمن هم پول گرفت بنده عرض کردم آنها هم که در قونسول خانه رفتند در آنجا میگفتند پول گرفتند در روزنامه نطق مرا مقابل نطق لئونوشت و مقابل خلق آقای تقی زاده که عقیده بنده مطالب صحیح بود نوشتند و دیگر در ماده حاجی سید عبدالحسن لاری می نگفتم که لوهضماً حجتاً اسلام جعلی است گفتیم که لوهضماً جمعه را واجب میدانند حجتاً اسلام های جعلی در مملکت هستند حالا هم عرض میکنم که طرف قوام بی حق نیستند و باید بجراف آنها گوش داد .

**قوام جویان** - این که میگویند هر کسی عقیده دارد یک اعتدیه باید عقیده خود را ثابت نماید خوب است شما معلوم نمائید از یاز سال تا بحال کدام صدمه از او با مالی شیراز وارد آمده .

**آقا شیخ یوسف** - این عقیده بنده است و میگویم اشخاصی که هوا بخواد قوام هستند تصعب دارند .

**آقا میرزا ابوالحسن خان** - شنیدم شما گفته که من گفتم اشخاص انجمن جنوبی پول گرفته اند بنده گفتم اشخاصی که بر ضد قوام بودند و اسباب آمدن قوام را فراهم آوردند اکثر همان اشخاص را دیدیم که هوا خواه قوام شدند و اسباب رفتن پسرهای او را فراهم آوردند من نگفتم که انجمن جنوب پول گرفت .

**فخر السادات** - آخر شما یک فکری برای اشرار بکنید یکی همراهی از یک طرف میکنند دیگری طرفداری از دیگری مینمایند اما آمده ایم اینجا که خدمت بنوع نمائیم نه حمایت از دیگری .  
**احسن الدوله** - مطلب مهم است از قراریکه میگویند مسئله تلگرافخانه ها رفتن اشکال پیدا کرده و از اینکه تلگرافخانه کیهانی پناه برده اند هر روز بعضی تلگرافات رسیده و از قراریکه گفته شد کافندی از سفارت بوزیر امور خارجه رسیده است که آنها بیکه متعصب میشوند باعث خسارت میشوند حالا بجهت رفع این محدود تلگرافی نوشته شده از طرف مجلس بولایات قرائت شده تصویب شود قرائت شد نزدیک باین مضمون اشخاصیکه متعصب هستند نباید در تلگرافخانه ها متعصب اختیار نمایند که اسباب زحمت شود و همچنین با سیم خارجه مضایره نکنند در منزل خود نشسته با سیم داخله مضایره کرده مجلس رسیدگی خواهد کرد .

**اسدالله میرزا** - مسئله فارس خیلی مهم است و این طور صحبت که میان وکلای فارس میشود همه معلوم میشود که این خودش موجب این است که اغتشاش آنجا باقی است و قتیکه در آذربایجان نزدیک بود که دو دسته شوند و وکلای آذربایجان حتمه تلگراف کردند و اختلاف را از میان برداشتند حالا اینجا هم همین طور باید خود و کلا اتحاد کنند و دروغ اختلاف را بنمایند و مسئله سیم خارجه در تلگراف خوب نیست که نوشته شود مضایره نکنند .  
**لاری** - اینها را بنویسند و اینها را بنویسند

الغایه ها است که بر میدارند دروخ تفکر آن

**حاج امام جمعه** - در حقیقت امروز خیلی برای مجلس و خصوصاً برای بنده اسباب انوس بود در حقیقت تمام مملکت امروز چشم داشت باین مجلس و از سایر ادارات مابوس هستند آخر روز يك قطعه از خاک ماست و الان چند روز است که دو طایفه شده جمعی در تلکرافخانه و جمعی در قراغ متحصن شده اند و بنده اطلاع دارم در روزهای گذشته که شبها بایکدیگر مبارزات دارند و فتنه ها است که علی الاصل بیرون میروند آن بنده فتنه ها است که فتنه مایبند میشود آنهم در کلای ایشان در اینجا

آقای شیخ یوسف آن طور میگوید البته عقیده ایشان میبود راست میگویند این طور هم که آقا میرزا ابوالحسن خان میگویند عقیده ایشان هم این طور است ولی عقیده که گفتن و رای دادن باشد که از تشایر و تنازع است همه حرفی در اینجا نمی بود گفته بختی قبل بعد از بیستگرات از این مجلس بیکم شد که تمام قوام اهلک و پسرهایش بیایند بعد آمدند و بعد از آن گفتند پسرهایش بروند اگر چه بیعت آمده بودند که چرا و اگر باجهت آمده بودند که این رفتن چه بود میبود این امر است که نیام اینها بدون تحقیق شد علت آن خواستن چه بود وجهت این رفتن چه شد مقصود این است که در حال تنازع و الزامیان برآید اما در باب اینکه باید تلکرافخانه متحصن نشوند خیلی خوب است اما بعضی میگویند باشد که اگر کسی متحصن شد دیگر عرض لاگوش نمیند

**آقای شیخ یوسف** - من شهادت می دهم در آن دوام که در پیشگاه پروردگاری از قوام و پسر های او ندیدم و من تحقیق هم نشنیدم ولی میگویم تصدیق از آن اشخاصی است که حرفهای از قوام میکنند و من خود از اشخاصی بودم که رای دادم قوام برود ولی از فتنه حاج سید عبدالعزیز لاری خبر نداشتم و متنبه ام این بود که اگر برود این می شود

**قوام دیوان** - آنشب در تلکرافخانه از نظام السلطنه تکلیف خواستیم که چه باید کرد آن بود که تلکراف کرد ما فرضاً آسایش است فرض دیگری نداریم جناب حاج امام جمعه زسایر و کلا شریف دارند هر طور صلاح می دانند بفرمایند تا عمل بکنیم

**حاج امام جمعه** - در هر شهری يك چند نفری هستند که اسباب اغتشاش می شوند اگر می شود از طریق این چند نفر را بخواهید بیابند طهران تا قانع اغتشاش بشود

**فخر السادات** - این گفتگوهای شخصی در اینجا هیچ فائده ندارد باید ملاحظه فوری کرد آنها همه مسلمانند فکری بکنند که مردم بیچاره در این آتش نسوزند و کپل باید کسی باشد که صاحب ملاحظه باشد تا دلش ببال دیگران بسوزد

**وکیل الرعا** - تمام تظلمات آنها از رفتارهای پیش قوام بود ولی فعلاً چیزی که مشر بر تصدیق از باشد نبود این بود که مجلس قوام را خواست طمان شد بعد حاکم نظم آنها را بآمدن پسر قوام بکنند چون نماینده دولت صلاح این طور دانست که مملکت مانند حالا يك جمعی جمع شده می

گویند توهم زسرت نشی بالمارا چایبده و ملان فوئت را سیر نمی خویریم میگوئیم که توام بیاید تا مملکت آسوده باشد حالا آنها که قوام را میخواهند برای بیعت برای نجل او است چیز دیگری هم هست و والا چه کرد از برای فارس نامدرستند بر سکرد نه صمغی رواج داند نه کاری کرد پس چرا باید این قدر با آنها همراهی بشود

**آقای میرزا ابوالحسن خان** - آنها بیکه میگویند قوام بیاید هیچ حیاتی بخله از قوام ندارند از روی انصاف میگویند من قوام را بایک نفر قطه مسادی میدانم اهل تلق و طمع نیستم آنها بیکه میگویند قوام نیاید آنها نوگرای قوام هستند میگویند او نباشد تا هر چه هست ما بخوریم ما باید در کلیه اصلاحات حرف بزینم و کپل باید به بعضی رضای خدا حرف بزنند نه اینکه حامی معتقد دیوان بپلهر او باشد من هم عقیده شما حامی قوام هستم ولی اینطور نیست این بود که رفتیم تلکرافخانه تکلیف خواستیم گفت تلکرافخانه با آنها ایست که حاج سید عبدالعزیز لاری را آوردند و خیال فساد دارند حالا ما چه کار داریم باین کارها ما باید امنیت را بخواهیم که هر طور صلاح میدانند اگر با احتضار پسر قوام است یا هر طور است امنیت بدهند

**حاج سید عبدالعزیز شهبانی** - آن روزیکه خواستند بروند تلکرافخانه و از نظام السلطنه سبب این فتنه را بخواهند من عرض کردم اگر جمعی از و کلا بروند در تلکرافخانه از آن طرف هم جمعی از معارف را بخواهند با نظام السلطنه و صلاح این کار را خواستار شوند مسلماً اصلاح خواهد شد حالا هم خوب است آنطور که عرض شد اقدام نمایند تا رفع فائده بشود

**نایب رئیس** - شما وزیر داخله و وزیر مسئول دارید اگر اصلاح میبخواهید باید از او بخواهید نه اینکه خود بکارها رجوع نمایند

**اسدالله امیرزا** - اینک فرمودید بوزیر داخله باید رجوع شود صحیح است عقیده بنده این است اغلب این مقاصد از این مذاکرات است که مادر این مجلس میکنند اصلاح را باید از همان وزیر داخله خواست و دیگران هم مداخله در کار نکنند

**مبشر السلطان** - ماده بیکه نصیر الملک با ممتد دیوان با پسرهای قوام در آنجا مصدر کار هستند همیشه این اغتشاشات خواهد بود

**حاجی آصف التبوله** - در آنجا حکومت کرده اند میدانید بغودشان رجوع کنید درست خواهند کرد

**نایب رئیس** - باید رجوع شود بوزارت داخله و خودشان هم مشغولند البته اقدامات لازمه شده و میشود

**مذاکرات روز پنجمشنبه ۲۳ رمضان دارالشورای ملی**  
خلاصه مذاکرات روز چهارشنبه ۲۲ از آقای حاجی سید نصرالله قرائت کردند

تلکراف شاهزاده عین الدوله قرائت شد قریب باین مضمون خدمت جناب حاجی احتشام السلطنه پس از مشلت از سلامت وجود شریف و تبریک ریاست در مجلس مقدس در روزنامه حبل المتین شرحی در خصوص خوی و ازومی نوشته شده بود طوری بر من سخت گذشت که خواستم بدون اطلاع مجلس و دولت آزرده باد سکویه و غیره بمرشد قراجه داغ رفته از بقیه السیف هلافت خود جمعی را جمع آوری کرده بایکام خود میرسم و ایجان در این راه میدهم باز گفتند شاید خوش نیاید این است که عموم و کلا را تسلیم میگویم خصوصاً جناب حاج امام جمعه را در این موقع که از کسان و بستگان ایشان بدرجه شهادت رسانده اند تسلیت و تعزیت میگویم مطلب دیگر آنکه جناب علاء الدوله و شما و کالت دارید که تمام هلافتها را بفرشید و در بانک ملی بگذارید که بانک ملی موجب آسایش و حیثیت مملکت است و چه قدر در انتظار دیگران اهمیت دارد امروزه روز اتحاد و موقع یکمانگی است نه تفاق و بیگانگی مقتضی امروز اینست که باید همگی با کمال جدو جهد دست بدست یکدیگر داده در راه حفظ وطن و ترقی مملکت بکوشیم و آتی غفلت نکنیم

**وکیل الرعایا** - تمام فرمایشات شاهزاده را باید از روی صدق و حقیقت دانست و انال او را از خدا خواست که زیاد نماید

**بهر العلوم گرمائی** - هر روز حضرت والا ظل السلطان هم همین مراتب را بالاتر اظهار می فرمودند که خدا شاهدست در راه ترقی ملت و آبادی مملکت از قبل مال و رجان مضایقه ندارم و هر چه از من برآید از حریت سکوتهای نخواهم نمود و گمان نکنید که این استعداد من برای زمان استبداد بوده بلکه حالا هم حاضریم که همه قسم خدمات خود را بدست ظاهر نمایم

**رئیس** - اینها صحیح است حالا اول اسلام است باید همانطور که قولوا لا اله الا الله تعلقوا زهر کس میگفت مسلمان می شد حالا هر کس اظهار همراهی میکند باید پذیرفت تا کم کم هادت نمایند و بمقام فعلیت برسد شاهزاده ظل السلطان خیلی همراهی کرده و میکند و هر چه میگویند همین طور است همین طور شاهزاده عین الدوله هم همراهی خواهند کرد

**حاجی سید نصر الله** - شاهزاده عین الدوله همانطور که سابق در حفظ مملکت مستبدانه ثابت بود حالا هم در اداره کردن مملکت مشروطه همین طور که اظهار کرده اند ثابت القول خواهند بود و من ایشان را ثابت القول میدانم باید حالا این نوع اشخاص را مستعمل کرد و بیکار نگذاشت اشخاصی که سابق مستبد بودند همانها آلت کار این مملکت هستند باید حالا آنها را پذیرفت و هر کدام از آنها که زیر بار کار رفتند باید ممنون شد بعضی ایرادها میکردند که فلان مقصر را چرا روی کار آوردند نباید این حرفها گفته شود زیرا که غیر از آنها ننداً کسی را نداریم و دیگر اینکه امروز نباید نظار بهال سابق داشت باید از هر کس کار خواست

**آقای املا حسن وارث** - فرمودید دیروز واقعه اتفاق افتاد که خیلی اسباب تا مساف است بفرمائید چیست

**رئیس** - دیروز در مسجد شاه شخصی که خودم هم میشناسم او را اساتذی ادبی است با علی حضرت